

فراوانی زبان‌ها و لهجه‌های مردم ایران

مرتضی نصفت

دانشیار روانشناسی

(۱)

زبان و لهجه‌ای که افراد یک قوم یا ملت به آن سخن می‌گویند از چند نظر می‌تواند مورد تحقیق قرار گیرد.

یک وجه تحقیقات زبان‌شناسی راجع به ساختمان کلامی زبانها و روابط آنها با یکدیگر و مانند این مسایل است. شناخت علمی نظام لغوی و دستوری زبان‌ها علم «زبان‌شناسی محض»^۱ را تشکیل می‌دهد. وجه دیگر تحقیقات علمی در این رشته مطالعه رابطه زبان با خصوصیات اجتماعی گروه‌هایی است که به آن سخن می‌گویند. این نوع تحقیقات «جامعه‌شناسی زبان»^۲ را تشکیل می‌دهد. نوع دیگر که شاید بتوان جزء جامعه‌شناسی زبان نیز به شمار آورد مطالعه توزیع فراوانی زبانها و لهجه‌ها در یک جامعه و تغییرات عده گویندگان زبانها و لهجه‌های مختلف بر اثر عوامل اجتماعی گوناگون و بررسی سیر تاریخی این تحول است. این گونه تحقیقات احصایی را «دموگرافی زبان»^۳ می‌توان خواند. نوع دیگر «روانشناسی زبان»^۴ است و آن مطالعه گفتار به عنوان یک رفتار روانی و تحقیق در رابطه آن با انواع دیگر رفتار است. موضوع قسمتی از روانشناسی گفتار مطالعه فرایند ارتباط میان گوینده و شنونده (و نویسنده و خواننده و غیره) به وسیله گفتار است. موضوع و روش این تحقیقات ترکیبی از روانشناسی و زبان‌شناسی است و نظام کلامی و

1. Pure linguistics

2. Sociology of language.

3. Demography of language.

4. Psycholinguistics.

صوری زبان و خصوصیات روانی گوینده هر دو باهم و از لحاظ تأثیرشان بر همدیگر مورد مورد مطالعه قرار می‌گیرند .

هریک از این انواع تحقیق در شناختن خصوصیات تمدنی اقوام و ملل خاص دارای اهمیت خاص است . زیرا توانایی سخن گفتن مهمترین وجه مشخص میان انسان و حیوان را تشکیل می‌دهد ، تا حدی که بعضی دانشمندان اعتقاد دارند هوشمندی و نیروی تعقل آدمی و هر چیزی که تمدن انسانی را به زندگی حیوانی برتری می‌دهد ناشی از توانایی گفتار است . بعضی دیگر می‌گویند هوشمندی و عقل اصل است و نظام پیچیده و آراسته سخن و گفتار از آن مایه می‌گیرد و جز به نیروی عقل تشکیل نمی‌یابد و به همین جهت انواع حیوان از سخن گفتن محرومند . هر دو نظر که در روانشناسی و منطق و اپیستمولوژی طرفدار دارد : مؤید وجود رابطه نزدیک و اساسی میان زبان و گفتار و عقل و فرهنگ انسان است .

نکته دیگر در فایده تحقیقات زبان شناسی و رابطه انواع آن بایکدیگر اینست که هر یک از این انواع مقدمه و درعین حال مکمل تحقیقات دیگر به شمار می‌رود . مثلاً مطالعه در جامعه شناسی یا دموگرافی زبان موقوف به شناخت نظام لغوی زبان است تا بتوان حدود و دامنه شیوع آن را تشخیص داد . همچنین مطالعات زبان شناسی محض هم بدون توجه به زمینه انسانی و اجتماعی زبان به یک علم انتزاعی کم فایده مبدل می‌شود . بدین جهات « زبان شناسی جامع » علمی است که از تلفیق رشته‌های مختلف تحقیق به وجود می‌آید و موضوع و روش آن از علومی دیگر نام بردیم و مباحث دیگر مانند علم ارتباطات^۱ و منطق بهره و مایه می‌گیرد .

موضوع این مقاله معرفی روش و نتایج تحقیقی است درباره دموگرافی زبانها و طبعه‌هایی که مردم ایران امروز به آن سخن می‌گویند و منظور از اشاره به نکاتی که مذکور

۱. Science of communication.

افتاد نشان دادن زمینه این تحقیق بود بدین جهت بیشتر به شرح این اصول و کلیات نمی‌پردازیم.

(۲)

به مطالعه جامعه‌شناسی و دموگرافی زبانهای مردم ایران (یا مطالعه زبانهای ایرانی از لحاظ جامعه‌شناسی و دموگرافی) تاکنون توجهی نشده است. با اینکه در بیست سال اخیر مطالعات جامعه‌شناسی در گروه‌های کثیر به تدریج شیوع یافته است و دو بار در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ سرشماری کامل از جمعیت ایران به عمل آمده است. نگارنده فقط در یک مورد توانستم اطلاعاتی راجع به تنوع و فراوانی زبانهای اصلی مردم ایران به دست آرم و شرح آن در بند ۶ این مقاله خواهد آمد. در سرشماری‌های عمومی یا آمارگیری‌های اختصاصی و نمونه‌ای که تاکنون صورت گرفته است در هر کدام به مناسبت پرسشهایی درباره خصوصیات اجتماعی و دموگرافیک اشخاص مانند سن، وضع شغلی، نوع اشتغال، سواد، رشته و سطح تحصیلات، وضع تأهل، میزان درآمد و امثال اینها به عمل آمده و حتی تحقیقاتی درباره وضع ساختمانها و مصالحی که در آنها بکار رفته است، تاریخ بنا و وضع مالکیت آنها، نوع و میزان سوخت مصرفی در منازل و مسایل بعید دیگر مانند اینها انجام گرفته است اما بحثی از زبان محلی و مادری اشخاص به میان نیامده است.

اخیراً در یکی از برنامه‌های تحقیقاتی مؤسسه روانشناسی دانشگاه تهران موقع مناسبی پیش آمد تا مطالعه‌ای درباره تنوع و فراوانی زبانهای محلی به عمل آید. در طرح ارزش‌یابی سپاهیان دانش که هدف رسمی و اصلی آن انتخاب آموزگاران مورد نیاز کشور در مناطق روستایی است و از ۱۳۴۴ در مؤسسه روانشناسی اجرا می‌شود و همواره کوشش شده است اطلاعاتی درباره روانشناسی و جامعه‌شناسی جوانان دیپلمه کشور گردآوری شود و خدمتی که این مؤسسه به دستگاه آموزش و پرورش کشور انجام می‌دهد با فواید علمی توأم باشد. به این منظور در هر یک از امتحانات و ارزش‌یابی‌هایی که در گروه‌های سپاهیان

دانش به عمل آمده است به مطالعه چند موضوع از این قبیل توجه شده است. از جمله این تحقیقات بررسی زبان محلی و مادری است که در گروه های یازدهم و دوازدهم این سپاهیان انجام گرفته است.

سپاهیان دوره یازدهم در دی ۱۳۴۶ و سپاهیان دوره دوازدهم در خرداد ۱۳۴۷ از نظر معلومات و استعداد عمومی در پادگان های نظامی نقاط مختلف کشور مورد آزمایش قرار گرفته اند. این آزمایش جزئی از برنامه ارزش یابی شایستگی آموزگاری سپاهیان را تشکیل می دهد. ضمن این آزمایش از سپاهیان هر دو دوره که جمعاً ۸۹۵۷ نفرند پرسیده شده زبان محلی که در خانواده خود به آن سخن می گویند چیست. مطالعه پاسخ هایی که به این سؤال داده شده است تنوع زبانهای محلی مردم ایران را در طبقه خاصی که مورد آزمایش واقع شده است نشان می دهد. چنانکه خواهیم دید از این مطالعه نمونه ای می توان توزیع زبانها و لهجه ها و فراوانی نسبی آنها را در جمعیت کلی نیز استنباط کرد.

(۳)

برای تنظیم و استخراج اطلاعاتی که در این تحقیق گردآوری شده است باید یک طبقه بندی جامع و مفصل زبانهای مردم ایران مبنا قرار داده شود. وقتی به منابع زبانشناسی زبانهای ایرانی که صورت آن در ضمیمه این مقاله آمده است مراجعه کردیم مشاهده شد که طبقه بندی های موجود کافی برای این مقصود نیستند. مهمترین نقص این طبقه بندی را در این یافتیم که هر یک بر حسب علاقه مؤلف آن یک یا چند گروه خاص از زبانهای مردم ایران را شامل می شود. نقص دیگر را در آن دیدیم که مطالعات زبان شناسی جمعیت ایران عموماً مربوط به زبانهای ایرانی است و درباره زبانهای غیر ایرانی که در قسمتی از جمعیت ایران رایج است اطلاع جامع در دست نیست. آنچه در مطالعه دموگرافی

۱ - برای اطلاع از هدف و روش برنامه های ارزش یابی سپاهیان دانش و نتایج آن، رجوع کنید به مقاله های نگارنده در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی شماره ۵۹، مهر ۱۳۴۶ و مجله سخن ادبی شماره های ۱ و ۲ سال (جلد ۱۸) فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۷.

و جامعه‌شناسی زبان مورد احتیاج است یک طبقه‌بندی جامع و منظم از زبانها و لهجه‌ها است که در آن حدود طبقات از نظر تعدد و تنوع زبانها و لهجه‌ها مشخص باشد و رابطه هر طبقه با طبقه‌های کلی‌تر و همچنین کلیت هر طبقه نسبت به طبقه‌های جزئی‌تر تعیین شده باشد. مثال این گونه طبقه‌بندی را در زیست‌شناسی نباتات و جانوران می‌یابیم که به وسیله آن موجودات زنده بنا بر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که نسبت به یکدیگر دارا هستند در مقاداری طبقات تقسیم می‌شوند و درجه شمول و کلیت هر طبقه (خانواده - رده - رسته - نوع - نژاد و غیره) نسبت به هر طبقه دیگر مشخص شده است. مجموعه چنین طبقه‌ها یک دستگاه منظم و متشکل به وجود می‌آورد که بر اصول منطقی و اطلاعات تجربی هر دو مبتنی است. نظام صوری یک طبقه‌بندی جامع و مانع دارای خصوصیتی است که در منطق طبقات^۱ مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

چون درباره زبان‌شناسی مردم ایران چنین طبقه‌بندی جامع را آماده نیافتیم ناچار دست به کار تلفیق اطلاعات موجود شدیم و به کمک و تشویق چند تن از استادان زبان‌شناسی دانشگاه تهران مجموعه‌ای از زبانهای ایرانی و غیر ایرانی که امروز مردم کشور به آن سخن می‌گویند^۲ فراهم کردیم به صورتی که در تحقیقات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و آماری مربوط به زبانها به کار آید.

بنا به قاعده جاری در زبان‌شناسی، زبانهای مردم ایران بر دو نوع زبانهای ایرانی و غیر ایرانی منقسم می‌شود. سپس هر یک از این انواع به چند گروه و هر گروه به چند لهجه یا چند دسته لهجه‌های مشابه تقسیم می‌شود. در زبانهای ایرانی شش گروه و جمعاً

۱- Logic of classes.

۲ - آقایان دکتر صادق کیا، دکتر محمد مقدم، دکتر آوانس حق نظریان و دکتر هرمز سیلانیان اسنادان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران یادداشت‌های نگارنده را درباره طبقه‌بندی زبانها که در پائین خواهد آمد ملاحظه کرده‌اند و باتذکرات اصلاحی خود اینجانب را راهنمایی فرموده‌اند. با وجود این هرگونه نقص و نارسائی این طبقه‌بندی متوجه خود نگارنده است.

در حدود هشتاد زبان یا لهجه‌های مختلف به شمار آمده است. زبانهای غیر ایرانی شامل ترکی، ترکمنی، عربی، گرجی، ارمنی، آسوری و کولی است به شرحی که در جدول پائین آمده است.

از لحاظ جامع بودن، دو شرط در تشکیل این جدول منظور بوده است. نخست اینکه زبانها و لهجه‌های عمده که در مقالات و منابع مختلف درباره زبانهای ایرانی «شاخه غربی» یافته می‌شوند گردآوری و تنظیم شده‌اند. دیگر اینکه طبقه بندی همه موارد اظهار شده در آزمایش سپاهیان دانش را شامل می‌گردد.

جدول ۱ - طبقه بندی زبانها و لهجه‌های امروزی مردم ایران

۱ - زبانها و لهجه‌های ایرانی

- ۱-۱ = گروه زبانها و لهجه‌های کناره دریای خزر.
 - ۱-۱-۱ = دسته مازندرانی: بابلی، لنگرودی، لواسانی، شمسواری.
 - ۱-۱-۲ = دسته طالشی: ماسوله‌ای.
 - ۱-۱-۳ = دسته گیلکی: لاهیجانی، رشتی.
 - ۱-۱-۴ = دسته طالقانی.
 - ۱-۱-۵ = دسته الموتی: رودباری.
 - ۱-۱-۶ = دسته دیلمانی: رودسری.
 - ۱-۱-۷ = دسته گرگانی: استرآبادی.
- ۱-۲ = گروه زبانها و لهجه‌های ایران مرکزی:
 - ۱-۲-۱ = دسته اصفهانی: یزدی، نائینی، اردستانی، انارکی، نجف آبادی.
 - ۱-۲-۲ = دسته کاشانی: کشته‌ای، ونی، میمه‌ای، قهی.
 - ۱-۲-۳ = دسته نطنزی: یارندی، فریزندی.

۱-۲-۴ = دسته محلاتی : گلپایگانی ، خمینی ، خوانساری .

۱-۲-۵ = دسته کویری : بیابانکی ، خوری ، مهرگانی .

۱-۲-۶ = موارد متفرقه و مبهم : اراکی .

۱-۳ = گروه زبانها و لهجه‌های شمال مرکزی :

۱-۳-۱ = دسته تاتی : تاکستانی ، اشتهاردی ، رامندی ، چالی .

۱-۳-۲ = دسته سمنانی : شه‌میرزادی ، سنگسری ، سرخه‌ای ، لاسگردی .

۱-۳-۳ = دسته آذری : خلخالنی ، مراغنی ، کرنی ، کرلنی ، هرزنی .

۱-۴ = گروه زبانها و لهجه‌های جنوب غربی :

۱-۴-۱ = دسته لری : روستائی ، (بروجردی ، خرم‌آبادی ، ملایری ، نهاوندی)

جانکی ، همدانی ، توسیرکائی .

۱-۴-۲ = دسته بختیاری : هفت لنگی ، چهارلنگی ، الیگودرزی .

۱-۴-۳ = دسته خوزستانی : دزفولی ، شوشتری ، بهبهانی ، بوشهری ، اهوازی ،

رامهرمزی .

۱-۴-۴ = دسته لاری : بندری ، بندرلنگه‌ای ، بندرعباسی ، بناوئی ، اوزی .

۱-۵ = گروه زبانها و لهجه‌های کردی :

۱-۵-۱ = دسته کردی غربی : سنندجی ، کرمانشاهی ، زنگنه‌ای ، گورانی ،

اورامانی ، گندوله‌ای ، مهابادی ، بیجارنی ، گروسی ، پاوه‌ای ، دملی .

۱-۵-۲ = دسته کردی خراسان : کردی بجنوردی ، کردی قوچانی .

۱-۵-۳ = دسته بلوچی .

۱-۵-۴ = موارد متفرقه و مبهم : سیوندی .

۱-۶ = گروه زبانها و لهجه‌های فارسی معمولی .

- ۱-۶-۱ = دسته فارسی خراسانی : مشهدی ، دامغانی ، کاخکی ، بیرجندی ، شاهرودی ، گنابادی ، نیشابوری ، طبسی ، سرخه‌ای ، تربتی .
- ۱-۶-۲ = دسته فارسی کرمان .
- ۱-۶-۳ = دسته فارسی سیستان و بلوچستان : زابلی .
- ۱-۶-۴ = دسته فارسی شیرازی : جهرمی .
- ۱-۶-۵ = موارد متفرقه و مبهم : تهرانی ، فارسی خوزستان ، فارسی قزوین ، فارسی معمولی و غیره .

۲- زبانها و لهجه‌های غیر ایرانی

- ۲-۱ = لهجه‌های ترکی .
- ۲-۱-۱ = دسته ترکی آذربایجانی :
- ۲-۱-۲ = دسته ترکی قشقائی : ترکی شیرازی .
- ۲-۱-۳ = دسته ترکی خراسانی : قوچانی ، بجنوردی .
- ۲-۱-۴ = دسته ترکی همدان و اراک : خلیجستانی .
- ۲-۱-۵ = دسته ترکی عشایر کرمان :
- ۲-۲ = لهجه‌های ارمنی :
- ۲-۲-۱ = دسته ارمنی آذربایجانی : سلهاسی ، ارموی ماکوئی ، تبریزی ، مراغه‌ای ، قراداغی .
- ۲-۲-۲ = دسته ارمنی ایران مرکزی : همدانی ، قزوینی ، مشهدی ، تهرانی .
- ۲-۲-۳ = دسته ارمنی جنوب غربی : اصفهانی ، چهار محالی ، پریانی .
- ۲-۳ = لهجه‌های آسوری .
- ۲-۴ = لهجه‌های ترکمنی .
- ۲-۵ = لهجه‌های عربی : آبادانی ، اهوازی .

۲-۶ = لهجه‌های ترکی مغولی .

۲-۷ = لهجه‌های گرجی .

۲-۸ = لهجه‌های کولی .

ملاحظه کنید که این طبقه بندی دارای چهار مرحله یا درجه است و زبانها : لهجه‌های مردم ایران به چند نوع و هرنوع به چند گروه و هرگروه به چند دسته تقسیم شده است ؛ در هر دسته یک یا چند نمونه معروف از زبانها یا لهجه‌ها که بنا به بهترین اطلاع موجود در آن جای می‌گیرند ذکر شده است . چنانکه در بند گذشته گفتیم شناخت خصوصیات لغوی و دستوری زبانها و لهجه‌های متداول در ایران و تنظیم و طبقه بندی (سیستماتیک^۱) آنها به آن درجه پیشرفت نکرده است که بتوان جای همه زبانها و لهجه‌ها را با اطمینان و یقین در یک طبقه بندی جامع مشخص کرد . اما آنچه محل تردید است تقسیمات جزئی طبقه بندی است نه شاخه‌های اصلی آن . به‌طور کلی زبانهای ایرانی به پنج یا شش گروه اصلی تقسیم می‌شوند و این تقسیم اصلی شاید محل اتفاق نظر همه محققان باشد . مثلاً زبانهای مناطق کناره دریای خزر و قسمتهایی از کوههای البرز یک گروه مشخص و مستقل را تشکیل می‌دهند و تفاوت‌های اساسی از نظر لغوی و دستوری این گروه را از لهجه‌های ایرانی دیگر مجزی می‌کند . اما در تقسیم گروه‌ها به دسته‌ها و به طریق اولی در تقسیمات جزئی تر و موارد اشکال و تردید فراوان باقی است . پس به‌صورتی که هست این طبقه بندی را در تحقیقات زبان شناسی و جامعه‌شناسی و روانشناسی و مانند اینها می‌توان برای تقسیمات کلی زبانها و لهجه‌ها به کار برد چنانکه در پائین خواهیم دید . از لحاظ تقسیمات جزئی ، طبقه بندی حاضر یادآوری است از اطلاعات موجود و اشکالاتی که هنوز رفع نشده‌اند .

(۴)

آنچه سپاهیان آزمایش شده درباره زبان مادری و محلی خود اظهار کرده‌اند

به کمک طبقه بندی که شرح داده شده در دو جدول پائین تنظیم و خلاصه شده است^۱. برای مزید فایده، فراوانی‌ها به ترتیب استان یا فرمانداری کل محل تولد (جدول ۲) و محل پایان تحصیلات دبیرستانی (جدول ۳) سپاهیان نموده شده‌اند. (رجوع کنید به صفحه‌های ۱۱۳ و ۱۱۴).

ارقام متن هر دو جدول فراوانی انواع و گروه‌های زبانهارا در هریک از مناطق کشور نشان می‌دهند. ارقام جمع در حاشیه‌های پائین و سمت چپ جدول‌ها، به ترتیب مجموع (و درصد) فراوانی هریک از زبانهارا در کل نمونه و عده سپاهیان را بر حسب استان محل تولد یا محل تحصیل آنان تعیین می‌کنند. چنانکه می‌باید، ارقام جمع در حاشیه پائین هر دو جدول باهمدیگر مساویند. اما ارقام جمع حاشیه چپ جدول‌ها با یکدیگر اختلاف دارند زیرا ممکن است محل تولد و محل زندگی فعلی اشخاص یکی نباشد. مثلاً می‌بینیم ۵٪ سپاهیان متولد شهر تهران هستند اما ۹۱٪ آنان از دبیرستانهای این شهر فارغ‌التحصیل شده‌اند. اختلاف این دو مقدار (وموارد مشابه از این قبیل) نشانه حرکت جمعیت میان نقاط مختلف کشور و خاصه مهاجرت دائم یا موقت به شهرهای بزرگ است^۲.

(۵)

نتیجه عمده‌بی که از مطالعه دو جدول گذشته حاصل می‌شود اطلاعی است درباره فراوانی انواع و گروه‌های عمده زبانها و لهجه‌هایی که امروز میان مردم ایران تداول دارند. فراوانی گروه‌های مختلف زبانهای ایرانی جمعاً ۷۴٫۹٪ است. میان زبانهای غیر ایرانی فراوانی ترین، زبانها و لهجه‌های ترکی است که شامل ۱۷٫۴٪ نمونه می‌شود. توزیع زبانها و لهجه‌های مختلف در یک منطقه نیز که از مقادیر متن جدول برمی‌آید غالباً اطلاعات

- ۱ - استخراج تنظیم جدول‌ها به وسیله آمارنده (ماشین حساب) الکترونی انجام گرفته است. برنامه این استخراج را آقای مهران رهگذار کارشناس مرکز آمار ایران تهیه کرده‌اند.
- ۲ - درباره توزیع محل تولد و محل تحصیل سپاهیان دانش که نمونه‌ای از جوانان دیپلمه کشور را تشکیل می‌دهند و بررسی آن از نظر اجتماعی و مسایل آموزشی رجوع کنید به مقاله نگارنده در مجله سخن ادبی شماره ۲ (جلد ۱۸) سال ۱۳۴۷.

در نمونه ای از سپاهیان دانش به ترتیب استان یا فرمانداری محل پایان تحصیل پیرستان

ردیف	شماره	نام	گسری	گسری	گسری	گسری	گسری	گسری	گسری	گسری	گسری	گسری	گسری	زبان یا لهجه استان
۹,۱	۸۱۷	۴	۶۸	۱	۲	۱	۱۰۶	۱۵	۱۰	۱۵	۸۸	۷	۵۰۰	تبرک
۵,۶	۵۱۶	۵	۲۳				۱۳	۴		۷	۹	۱۳	۴۵۵	مرکز
۹,۶	۸۵۶	۱۰	۴۲				۱۰۵	۲	۱		۶۳۷	۱	۴۸	گیلان
۶,۶	۵۹۱	۹	۱۴			۴۳	۲۸	۳	۲		۳۱۳		۱۷۶	مازندران مرکزی
۱۰,۶	۸۹۱		۱۵				۷۸۳	۸	۶۷		۶		۱۲	آذربایجان شرقی
۴,۷	۴۱۴	۲	۵				۳۳۶	۶۳	۲	۱	۲		۱۲	آذربایجان غربی
۴,۲	۳۸۷	۱	۱۲				۱۲	۱۸۰		۴	۲		۱۷۶	کرمانشاهان
۱,۸	۹۱۶	۲۴	۴۴		۱۰۴	۱	۳۶	۶		۲۸۵	۴	۲۲	۴۴۳	خوزستان
۴,۴	۳۱۷	۴	۲۱			۱	۹		۱	۱۸			۳۴۳	فارس
۲,۴	۳۰۲	۳	۷					۲				۲	۲۶۳	کرمان
۱,۱	۹۰۱	۵	۱۱				۸۰	۱۸	۱	۱	۵	۶	۷۷۴	خراسان
۷,۷	۶۶۲	۷	۹۶				۸	۲		۷	۲	۵۲	۵۱۸	اصفهان
۶,۲	۱۹۳	۱	۳				۱	۴۳			۱	۱	۱۴۳	بوشهر و مینا
۱,۷	۱۵۶		۵				۱	۱۳۹			۲	۱	۸	کردستان
۱,۰	۹۱	۹	۱۱				۱			۲۵			۴۵	استان ساحل جنوب
۶,۵	۲۱۹	۱	۲۳				۳	۱	۵۲			۱	۱۳۸	سمنان
۲,۷	۲۳۹	۲	۱۰				۲۵	۴		۱۱			۱۷۷	مدان
۶,۰	۱۲۹	۵	۴				۴			۷۵			۹۱	لرستان
۰,۴	۳۹	۱	۴							۱			۳۳	چهارمحال
۰,۱	۸						۲	۱		۳			۲	بویراحمدی
۰,۴	۳۳	۱	۱				۱	۲۰					۱۱	ایلام
۰,۴	۲۷		۳۴				۱						۰	خارج از کشور
۱۰۰,۰	۸۹۵۷	۹۴	۴۵۳	۱	۱۰۶	۳۶	۱۵۵۵	۵۱۱	۱۳۷	۴۶۳	۱۰۸۲	۱۰۶	۳۴۳	جمع
~	۱۰۰,۰	۱,۱	۵,۱	★	۱,۲۰	۰,۵	۱۷,۳	۵,۷	۱,۵	۵,۲	۱۲,۱	۱,۲	۳۹,۲	درصد

★ کنسرازیک دهم درصد

دانشجویان از سیاحتیان دانش به ترتیب استان یا فرمانداری محل تولد آنان

ردیف	شماره	فارسی معرک	فارسی ایران مرکزی	فارسی خراسان	فارسی گیلان	فارسی کردستان	فارسی لرستان	فارسی آذربایجان شرقی	فارسی آذربایجان غربی	فارسی کرمانشاهان	فارسی خوزستان	فارسی فارس	فارسی کرمان	فارسی خراسان	فارسی اصفهان	فارسی بلوچستان و سیستان	فارسی کردستان	فارسی استان سلمی جنوبی	فارسی سمنان	فارسی همدان	فارسی لرستان	فارسی چهارمحال	فارسی بویراحمدی	فارسی ایلام	فارسی خارج از کشور	جمع	درصد			
۱	۴۵۱	۴	۱۰	۲۴۲	۲۵	۱	۴	۱	۲۹	۵	۴۵۱	۵	۲۹	۱	۲۵	۱	۴	۱۰	۲۴۲	۲۵	۱	۴	۱	۲۹	۵	۴۵۱	۵			
۲	۶۰۵	۱۲	۱۵	۵۱۱	۲۲		۳		۴۸	۴	۶۰۵	۴	۴۸		۲۲		۳	۱۲	۱۵	۵۱۱	۲۲		۳		۴۸	۴	۶۰۵	۴		
۳	۹۲۰	۱	۶۹۵	۶۵	۱۰۹	۲	۱		۴۸	۱۰	۹۲۰	۱۰	۴۸		۱۰۹	۲	۱	۶۹۵	۱	۶۵	۱۰۹	۲	۱		۴۸	۱۰	۹۲۰	۱۰		
۴	۶۶۸		۲۵۸	۱۹۷	۲۲	۴	۴		۱۸	۱۰	۶۶۸	۱۰	۱۸	۴۵	۲۲	۴	۴			۱۹۷	۲۲	۴	۴		۱۸	۱۰	۶۶۸	۱۰		
۵	۹۲۵	۴	۸۲۷	۸	۸۲۷	۲	۶۷		۱۷		۹۲۵		۱۷		۸۲۷	۲	۶۷	۴		۸	۸۲۷	۲	۶۷		۱۷		۹۲۵			
۶	۴۳۲	۱	۲۴۲	۷	۲۴۲	۷۱	۴		۵	۲	۴۳۲	۲	۵		۲۴۲	۷۱	۴	۱		۷	۲۴۲	۷۱	۴		۵	۲	۴۳۲	۲		
۷	۳۸۲		۱۷۹	۸	۱۸۲		۱		۱۱	۱	۳۸۲	۱	۱۱		۱۸۲		۱			۱۷۹	۸	۱۸۲		۱		۱۱	۳۸۲	۱		
۸	۸۶۵	۱۴	۲۷۲	۲۷۸	۲۸	۳			۴۰		۸۶۵	۱۴	۴۰	۱۰۵	۲۸	۳		۲۷۲	۱۴	۲۷۸	۲۸	۳			۴۰	۱۰۵	۸۶۵	۱۴		
۹	۳۲۰		۲۸	۳۶۴	۱۱				۲۱		۳۲۰	۶	۲۱		۱۱					۳۶۴	۱۱				۲۱		۳۲۰	۶		
۱۰	۳۲۶		۲۱۰	۳۱۰	۱	۲			۱۰		۳۲۶	۳	۱۰		۲	۲				۲۱۰	۳۱۰	۳	۲			۱۰	۳۲۶	۳		
۱۱	۸۹۰	۵	۷۶۹	۷۶۹	۷۹	۱۹			۱۲		۸۹۰	۵	۱۲		۱۹			۵		۷۶۹	۷۶۹	۷۹	۱۹			۱۲	۵	۸۹۰	۵	
۱۲	۷۴۹	۷۴	۵۵۲	۵۵۲	۸	۲	۵		۱۱۰	۱	۷۴۹	۷	۱۱۰		۲	۲	۵		۷۴	۵۵۲	۵۵۲	۸	۲	۵		۱۱۰	۷	۷۴۹	۷	
۱۳	۱۸۱	۱	۱۲۵	۱۲۵	۶	۱۴۹			۳		۱۸۱		۳		۱۴۹			۱		۱۲۵	۱۲۵	۱				۳		۱۸۱	۱	
۱۴	۱۶۹		۸	۸	۱۴۹				۵		۱۶۹		۵		۱۴۹					۸	۸					۵		۱۶۹		
۱۵	۹۶	۴۸	۴۸	۴۸					۱۴		۹۶	۸	۱۴						۴۸	۴۸	۴۸					۱۴		۹۶	۸	
۱۶	۲۳۴	۲	۱۵۳	۱۵۳	۲				۲۱		۲۳۴		۲۱		۲				۲	۱۵۳	۱۵۳	۲				۲۱		۲۳۴	۲	
۱۷	۶۸۲	۲۵	۲۰۹	۲۰۹	۲۵	۶	۱		۱۳		۶۸۲	۲	۱۳		۶	۱		۲۵	۲۵	۲۰۹	۲۰۹	۲۵	۶	۱		۱۳		۶۸۲	۲	
۱۸	۲۲۱	۱	۱۰۸	۱۰۸	۴	۱			۴		۲۲۱	۴	۴		۱			۱	۱	۱۰۸	۱۰۸	۱				۴		۲۲۱	۴	
۱۹	۶۳	۸	۴۴	۴۴	۲				۷		۶۳	۱	۷		۲			۸	۸	۴۴	۴۴	۸				۷		۶۳	۱	
۲۰	۹		۲	۲	۲	۱					۹				۱					۲	۲							۹		
۲۱	۴۶		۱۰	۱۰	۱	۲۳			۱		۴۶	۱	۱		۲۳					۱۰	۱۰					۲۳		۴۶	۱	
۲۲	۱۲		۳	۳					۶		۱۲		۶							۳	۳					۶		۱۲		
۲۳	۸۹۵۷	۱۰۸۲	۲۴۳	۲۴۳	۱۱	۱۲۷	۱۲۷	۱۲۷	۴۶۳	۱۰۸۲	۸۹۵۷	۹۴	۴۵۳	۱۰۶	۴۶	۱۵۵۵	۱۱	۱۲۷	۱۲۷	۲۴۳	۲۴۳	۱۰۸۲	۹۴	۴۵۳	۱۰۶	۴۶	۱۵۵۵	۱۱	۱۲۷	۱۲۷
۲۴	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲	۲۹۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲	۲۹۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

قابل توجه دربر دارد. مثلاً در جدول ۲ دیده می‌شود که از ۹۳۰ سپاهی متولد در گیلان، زبان مادری ۶۹۵ تن (۷۴٫۷٪) از گروه زبانهای کناره دریای خزر است و ۱۰۹ تن (۱۱٫۷٪) نیز ترك زبان در میان این عده وجود دارد. از متولدین آذربایجان شرقی ۸۳۷ تن (۸۹٫۵٪) ترك زبان و ۶۷ تن (۷٫۲٪) گوینده زبانهای گروه شمال مرکزی مانند مانند آذری و خلخالی پیدا می‌شود و غیره.

(۶)

در تفسیر ارقام این دو جدول یک نکته باقی می‌ماند و آن اینکه نتایج مورد بحث در نمونه‌ای از یک طبقه خاص جمعیت کشور به دست آمده است: گروهی که در این تحقیق آزمایش شده‌اند اصولاً نمونه معرفت جمعیت کلی را تشکیل نمی‌دهد بلکه نمونه‌ای است از طبقه مردان در سنین خدمت زیر پرچم که تا کلاس ششم دبیرستان تحصیل کرده‌اند. بدین لحاظ ارقام جدول‌ها را اصولاً مربوط به مورد خاصی از دموگرافی زبانها و لهجه‌های مردم ایران باید به‌شمار آورد. با وجود این مقایسه نتایج این ارقام با نتایج یک تحقیق عمومی که درباره دموگرافی زبانهای ایرانی به نظر نگارنده رسیده است نشان می‌دهد که شباهت زیاد میان دو تحقیق وجود دارد. این مقایسه احتیاط و تردید درباره محدود بودن نمونه تحقیق حاضر را تا حدی بر طرف می‌کند.

در مقاله‌ای به قلم آقای مهندس شاهین که در ۱۳۳۸ انتشار یافته است^۱، گویندگان «زبانهای محلی و قبیله‌ای» سراسر کشور ۹۳۸۵۰۰۰ تن شمرده (یا برآورده) شده است^۲. این رقم ۴۹٫۵٪ جمعیت کشور در سال ۱۳۳۵ است. پس می‌توان تخمین زد که گویندگان زبان و لهجه‌های فارسی معمولی ۵۰٫۵٪ جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند^۳. در جدول

۱ - اقلیت‌هایی که در ایران به زبانهای محلی تکلم می‌کنند: نشریه سالانه آمار عمومی، سال اول، شماره ۱، دی ماه ۱۳۳۸، صفحات ۱۰۰-۱۰۲.

۲ - در آن مقاله تصریح نشده است که این رقم و ارقام دیگری که نقل خواهیم کرد شمارش است یا برآورد و به چه روش گردآوری شده‌اند.

۳ - البته احتمال می‌رود رقم اخیر شامل موارد مبهم و اظهار نشده و مانند اینها نیز باشد.

۴، درصد انواع و گروه‌های زبانها به صورتی که از تحقیق حاضر برمی‌آید با ارقامی که از مقاله آقای مهندس شاهین استخراج شده‌اند مقایسه می‌کنیم.

جدول ۴ - مقایسه فراوانی (به درصد) زبانها و لهجه‌های عمده در گروه سپاهیان دانش با ارقام مربوط به جمعیت کل

فارسی معمولی	فارسی کناره خزر	کردی بلوچی	فارسی جنوب غربی	ترکی	ترکمنی	عربی	متفرقه	نمونه سپاهیان دانش جمعیت کل
۴۹۲	۱۲۱	۵۷	۵۲	۱۷۴	۰۵	۱۲	۸۷	۴۹۲
۵۰۵	۱۱۰	۷۹	۵۷	۲۰۶	۱۷	۲۰	۰۶	۵۰۵

چنانکه ملاحظه می‌شود نتایج دو تحقیق با وجود تفاوت‌هایی که از لحاظ روش و جامعه مورد بررسی میان آنها وجود دارد بسیار به هم نزدیک و شبیه‌اند. اختلافات جزئی میان این ارقام را بدون تردید می‌توان با تفاوت زمینه دو تحقیق توجیه کرد. پس رویهمرفته نتایج این دو تحقیق همدیگر را تأیید می‌کنند و این نتایج در حال حاضر بهترین اطلاع موجود درباره دموگرافی زبانها و لهجه‌های مردم ایران را تشکیل می‌دهند.

فهرست منابع

- ۱ - ذبیح الله صفا = زبان، ایران‌شهر، تهران ۱۳۴۲، جلد اول، ص ۶۴۶-۶۳۶.
- ۲ - احسان یارشاطر = زبانها و لهجه‌های ایرانی = لغت‌نامه دهخدا، تهران ۱۳۲۹ جلد مقدمه، ص ۲۹-۲۰.
- ۳ - نیکلاراست = فهرست مأخذ زبانهای ایرانی، فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد اول، سال ۱۳۳۲.
- ۴ - ایرج افشار = کتاب‌شناسی زبانها و لهجه‌های ایران، فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد سوم، ۱۳۳۴.
- ۵ - دائرة المعارف اسلام (به زبان انگلیسی) = مقالات مختف.